

حساسیت زمان، عظمت مبارزه
آشفته‌گی جهان و خرابی اوضاع،
هموشیاری شما را در همه حال
ایجاب می‌کند

دکتر مصدق

اتحاد بزرگ

شماره ۴۰ سه شنبه ۲۲ آبان ۱۳۵۸

تک شماره ۱۰ ریال

اگر امر دائر شود به اینکه آبروی
ما حفظ شود و یا شکمان سیر
شود، ما ترجیح می‌دهیم که
آبرویمان حفظ شود

امام خمینی

مذاکرات کردستان

را ادامه دهید

حرکت‌های صحیح و همکاریهای
گروه‌های سیاسی کرد راه گشای
مذاکرات بود.
شورای انقلاب در رابطه با حل مساله
کردستان باید قاطعیت نشان دهد.

بوجود آوردن صحنه‌های نمایشی و شرکت
مقامهای مسئول در آن راه حل بحران کردستان
نیست

مرحله تازه مذاکرات هیأت حسن
نیت برای پایان دادن به بحران کردستان مردم کردستان از این مذاکرات و
برغم کندی پیشرفت، روزنه امید را
نمایان کرد که باید آنرا با قاطعیت
کردستان به حمایت از راه حل سیاسی
نشان دهنده این واقعیت بود که میز
هرچه تماشای دنبال نمود.

توطئه گران، سر هتک شریفی را کشتند

بموازات مذاکرات هیأت حسن نیت
به کردستان از طرف عناصر وابسته
و ضد ملی تلاشهای زیادی شد تا با
ایجاد زد و خورد بویژه با قوای نظامی
محیط مذاکرات را متشنج نموده و آنرا
خشن نمایند تا با تداوم آشوب و خونریزی
در منطقه کردستان به هدفهای شوم
خویش دست یابند. نمونه آن، حمله
به ستون نظامی در منطقه بانه است
که افراد ارتش تنها بخاطر اجرای
دستورات که آنان را از درگیری با مردم
برحذر میداشت متحمل تلفات سنگینی
شدند و مزدورانی که برای برهم زدن
مذاکرات به هر وسیله‌ای متوسل شدند
در بانه زن و مرد و کودک به افراد
ارتش حمله کردند، اما در مجموع
پیروی از دستورات و روح انضباط
در ارتشیان باعث شد تا از بروز

گره‌های دیگر بر مشکلات

شورای انقلاب در مورد نحوه
اداره وزارتخانه‌ها و مؤسسات عمده
دولتی چنین مطرح می‌کند که برای
هر وزارتخانه یک مسئول باسپریت
تعیین خواهد شد که ممکن است از
اعضای شورای انقلاب باشد، و در
غیر این صورت این مسئول برگزیده
از سوی شورای انقلاب است. که در
چنین وضعی یکی از اعضای شورا نیز
برکار وزارتخانه و سرپرست آن نظارت
خواهد داشت. و تنها در برخی از
وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که در
یک گروه قرار می‌گیرند، به اعضای شورا
مسئولیت یا نمایندگی مشترک سپرده می‌شود.
با در نظر گرفتن اینکه در حال حاضر
در هر وزارتخانه‌ای شورائی از کارکنان
آن وزارتخانه تشکیل شده و در امور
مدیریت و تشکیلات نیز دخالت مستقیم
دارد، از این پس کار هر وزارتخانه
بجز امور معمول اداری که
همچنان به قوت خود باقی است، باید

اقبال مردم را به حساب شخصی نگذارید!

اثرات مرکزی آنرا زدود و سلامت را
به معنای واقعی به اجتماع بازگرداند
دولت بازرگان را از پای در آورد.
نگاهی گذرا به کارنامه‌ی نه‌ماهه‌ی
دولت بازرگان و یادآوری شورش‌های
و اعتقادی که روزها و یاشاید ماه‌های
نخست مردم نسبت به بسیاری از
همکاران مهندس بازرگان نشان
می‌دادند و متأسفانه روز بروز میزان
آن کم شده گویای واقعی است که
خیلی‌ها آنرا نادیده گرفتند و آن حاکمیت
روح انقلاب برجامعه‌ی ایران است.
مردم آنروزها باور داشتند با رفتن
شاه و دارو دسته‌ی غارتگرش و اعدام
پاسداران بی‌سر و پایش، نابسامانی
کاستی می‌گیرد و در راه سازندگی
ایران از هم پاشیده و سوخته صیمانه
و بی‌ریا گام‌هایی برداشته می‌شود.
ولی هرچه زمان بیشتر گذشت و برای
برآوردن این طبیعی‌ترین خواست مردم
عملی آنچنان مثبت انجام نگرفت،
این باور به ناباوری و سرانجام خشم
بدل‌گردید و کار وقتی بالا گرفت که
برخوردهای درونی با زتاب بیرونی
یافت و انحصارطلبی وسعت پیدا کرد.
با اینهمه مردم شخص بازرگان را
با شناختی که
داشتند مقصر نمی‌دانستند و بیشتر
در یک مرحله انجام گیرد.

بموازات مذاکرات هیأت حسن نیت
به کردستان از طرف عناصر وابسته
و ضد ملی تلاشهای زیادی شد تا با
ایجاد زد و خورد بویژه با قوای نظامی
محیط مذاکرات را متشنج نموده و آنرا
خشن نمایند تا با تداوم آشوب و خونریزی
در منطقه کردستان به هدفهای شوم
خویش دست یابند. نمونه آن، حمله
به ستون نظامی در منطقه بانه است
که افراد ارتش تنها بخاطر اجرای
دستورات که آنان را از درگیری با مردم
برحذر میداشت متحمل تلفات سنگینی
شدند و مزدورانی که برای برهم زدن
مذاکرات به هر وسیله‌ای متوسل شدند
در بانه زن و مرد و کودک به افراد
ارتش حمله کردند، اما در مجموع
پیروی از دستورات و روح انضباط
در ارتشیان باعث شد تا از بروز

بن بست سیاسی آمریکا

کارتر بگونه‌ی نماینده‌ی دولت
آمریکا با پذیرش شاه این چهره شوم
که یاد آور خفقان سرگ و خشونت است
خود را در بن بست قرار داده است
که از سوی افکار عمومی مردم آمریکا
را که نگران گروگان‌ها هستند رودر
رو دارد و از سوی چشم بی‌پایان
مردم ایران را که مجازات شاه را
قاطعانه خواهند. امام، با قاطعیت بارها
و بارها اعلام کرده که هیچگونه
مذاکره‌ای با نمایندگان دولت آمریکا

خانم نماینده!

شما مسئول این قوانین هستید

خانم نماینده! اولاً لزومی نداشت
که شما مدافع حقوق چنین زنانی
باشید، در حالیکه دیدیم اصولاً حتی
برای زن نمی‌شناسید. حالاً هم که
خودتان چنین تصمیمی گرفته‌اید دست
کم می‌توانستید کمی مطالعه کنید،
مختصری کتاب بخوانید، تاریخ را
نگاه کنید و واقعاتی را که اجتماع
ما با آنها شکل می‌گیرد، و تصور نکنید
چون بنام «اسلام» عمل می‌کنید،

آنچه در زیر می‌آید تنها تذکر
تکاتی است چند در مورد حقوق انسانی
ایرانیان مسلمان، بویژه زنان، و این
چند تذکر نیز بخصوص برای تنها
بانوی حاضر در مجلس خیرگان و
دیگر زنانی است که احتمالاً چون او
می‌اندیشند. علت، نیز بیاناتی است
که ایشان اخیراً در مقوله زن و حقوق
اجتماعی او، چه در مجلس و چه در
سخنرانی‌هایشان ایراد کرده‌اند.

بزرگداشت سردار شهید نهضت ملی ایران

نوزدهم آبانماه اسما در فضایی
چنان متفاوت با سال‌های تارک گذشته
برگزار شد که تماشاگر دل‌ها را به
تپندی سرشار از سیاست، عشق، غم و
نوعی شادی و امید داشت.
هرسال نوزدهم آذر، مزار سردار
شهید نهضت ملی زیارتگاه انگشت
شمار یارانی بود که او را به بهای
زندانی و محرومیت یاد می‌کردند و
شب هنگام کور سوی چراغ نفتی
کوچک نشان از گذر زن و مرد اهل
دلی بود و بس!

نخست آنکه خانم نماینده تصور
فرموده‌اند که چون تنها زن حاضر در
مجلس اندو یا اصولاً چون زن هستند
الزاماً باید فقط مدافع حقوق موجودی
بنام «زن» باشند، که همین طرز تفکر
نشان می‌دهد که ذهن ایشان هنوز
برای زن و مرد به عنوان «انسان»
قائل تساوی نیست و از پیش معتقد
به اینکه وضع زن را باید جدا از مرد
برسید و تنها هر جا که مقتضی است
آنها «است» می‌شوند و تساوی الحقوق
و بلافاصله هم صد و هشتاد درجه
تغییر جهت می‌دهند و است از هم
می‌پاشد. زن به گوشه خانه می‌خزد
و به انتظار می‌نشیند تا مرد برایش
تصمیم بگیرد!

در ارتش پاکسازی است یا انحلال؟

ارتش ایران، یک ارتش ملی و
بدون وابستگی‌های طبقاتی و قشری
مشکل‌زبهرترین جوانان و فداکارترین
سردان این مرزوبوم در واقع بزرگترین
سرمایه‌گذاری در سطح کشور می‌باشد.
سرمایه‌ای از صدها هزار ایرانی با سال‌های
متمادی آموزش نظامی و میلیاردها دلار
تجهیزات.
ارتش ضامن استقلال و بقا کشور،
و حافظ امنیت و تمامیت ارضی، چون
شمسیری دو دم چنانچه بوسیله دولت
سبعوت ملت صحیح بکار گرفته شود
وظیفه و ساموریت اصلی خویش را ایفاء
خواهد کرد و اگر چون گذشته در مسیر
اصلی و واقعی بکار برده نگردد بزرگترین
دشمن مردم خواهد بود.

و هنگامیکه در سال گذشته جنبش
اعتراض آمیز ملت ایران علیه فساد،
اختناق حاکمان وقت بالا گرفت این
ارتش بطور غلط رودر روی مردم قرار
داده شد.
پس از ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ این
ارتش که قریب یکسال در زیر شدیدترین
ضربات روحی ملت قرار گرفته بود به
ناگهان از هم پاشید.
سیاستهای استعماری بی‌گانه‌بهرترین
فرصت را برای نابودی ارتش و تجزیه
ایران بدست آورده بود، هجوم پادگان-
هائیکه با ملت همبستگی اعلام و تسلیم
شده بود و غارت اسلحه و ملزومات پادگان-
ها دقیقاً بدست عوامل خائن انجام
بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

مرز بین آزادی و هرج و مرج

عمل و اندیشه دارد. این طفل نوجوان میشود بدبستان و دبیرستان می رود ولی اگر مفهوم آزادی بان گونه کسی نظم جامعه را در بر نگیرد به وی تفهیم نشود خود را آزاد میدانند که درس نخوانند - غیبت کنند - سرکلاس حاضر نشود حتی مانع درس خواندن هم کلاس و تدریس معلمان شود آخر سال هم آزاد است که نت بکشد-تقلب کند جلسات امتحان را بهم ریزد و آزاد است که معلم معلم نمره ناقص طلب کند. آزادی از دید کاسب موقع شناس و خدانشناس این است که جنس را از آن بخرد - انبار کند و گران بفروشد مفهوم آزادی از دید معدودی کارگر ناآگاه کار نکردن - اعتصاب کردن - چوب لای چرخ مدیر مسئول گذاشتن و از دید کارفرما بهره کشی هر چه بیشتر از نیروی کارگر - مزد کم دادن حق وی را تضییع کردن کارگر را بیکار کردن - کارخانه را تعطیل کردن و گوش دولت را به بهانه وام و اعتبار بریدن...! آزادی روزنامه نویسی غیرمتعهد درج اخبار نادرست - تفسیر - های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی استعمارزده و انتخاب تیرهای هیجان آفرین که خواننده را قبل از تصمیم به انتخاب روزنامه مصمم بخیریدان کند و آزادی از دید گروه های دیگر اما به بنییم سرانجام چه خواهد شد؟! سرانجام چگونه میتوان اجازه داد که هر کس آزادی را به هر گونه که میخواهد تفسیر و تعبیر کند و بنفع خود از آن بهره گیرد - آیا تا کی باید به اسارت و بند این کلمه پر معنا خویش را اسیر و گرفتار سازیم این روزها که دسائس بیگانگان - توطئه عوامل امپریالیسم روس و آمریکا و انگلیس و اسرائیل - توطئه

آن بدتر بدون رعایت مسائل پیچیده فنی و تکنیکی لوله درآب رسانی سوراخ کنیم و به خانه های بسیاری آب رسانیم بدون اینکه توجه کنیم سیستم توزیع آب در تابستان به چه صورتی در خواهد آمد؟! و اسم این را هم بگذاریم آزادی؟! متأسفانه استفاده از چنین نوع آزادی در برق رسانی چنین خانه های که بدون ضابطه شهرسازی و بصورت پراکنده در ع گوشه شهرها ساخته شده است مشاهده میکنیم بدون اینکه بدانیم آیا این پست ترانسفورماتور محل ما چند کیلو وات است؟ آیا قدرت کشش این نیرو را دارد؟! اگر به هزار خانه به طور غیر مجاز

تمام مردم آزادی را دوست دارند ولی مهارت عجیبی در عدم کردن آن بکار میبرند - ولتر

برق بدهیم فردا با مشکل خاموشی منطقه ای یا اصولاً گرفتاری نارسائی توزیع برق در سطح کشور روبرو نخواهیم بود؟! آیا ممکن نیست این پست های فشار قوی یا فشار ضعیف شبکه های برق دچار آسیب شود - بسوزد و یا آتش سوزی ایجاد کند چرا که آزادی و باید از آزادی بهره گیریم آیا این درست است که دانشجوی عزیز که به حق میبایستی جا و مکانی برای خواب و استراحت داشته باشد - دانشجویی که از شهرستان - از بخش - از ده دور افتاده به شهری بزرگ رفته تا به عشق خدمت بوطن تحصیل کند و نتیجه رنج چندساله تحصیل را بخدمت مملکت بگذارد بیاید فلان هتل را بعنوان خوابگاه عدواناً تصرف کند در حالیکه این هتل متعلق به سازمان یا افرادی که احیاناً با فساد و دزدی و زود بند با رژیم ساقط شده به تصرف بنیاد مستضعفین درآمده تا بتوان از محل درآمد آن تعهدات مالی مدیر فراری را بانجام رساند و یا بطوریکه شنیده شد یکی از هتلهای تصرف شده در شهرستان ساری مبلغی حدود ۱۰ میلیون تومان به جلب سیاحان و ۱۰ میلیون تومان به تجار شهر بدهی دارد و میبایستی با گردش کار و از محل درآمد مسافران ماهانه ۵۰۰ هزار تومان اصل و فرع بدهی را پرداخت کند حال تکلیف طلب یک دستگاه دولتی و چندین تن افرادی که وام به صاحب هتل داده اند چه میشود؟ پول بانکها چه میشود؟! در حالیکه بانکها دیگر متعلق به فرد خاصی نیست بلکه یک سازمان اقتصادی ملی است و متعلق به همه است و سرمایه و اموال آن متعلق به عموم ملت ایران این یک سوی قضیه و سوی دیگر چه کسی فردا جرأت میکند بصورت همسان هم وطن یا میهمان

برداشت های غلط از آزادی دقیقاً آزادی را باخطر خواهد افکند

دژخیمان ساواک و وابستگان به رژیم فاسدگشته فتنه و آشوب را تا مرز برادر کشی به نقاط مختلف کشورمان ایجاد کرده اند کمتر کسی است که از آسیب گروهی آزاد طلب و آزادخواه این چنین رنج و زیان برده باشد همه میگویند ما انقلاب کردیم که آزاد باشیم - ما انقلاب کردیم که از آزادی پاسداری کنیم ما هم همین را میگوئیم... آنها هم که در حرکت های چند میلیونی امر امام را که از هزاران کیلومتر دور از خاک وطن شنیده بودند بعنوان یک شعار

سخن آزادی گفتن چه سهل است و حفظ حریم حرمت آن چه دشوار. مفهوم آزادی با توجه به گرایشهای سیاسی - مشخصات فرهنگی - سیستم اقتصادی و روابط اجتماعی از محدوده کوچک خانه تا وسعت شهرها و از آن مهمتر در روابط دولتها با دولتها و ملتها با ملتها با تفسیرها و تعبیرهای متفاوت بچشم میخورد. دویست یا سیصدسال پیش دولت بریتانیای کبیر که از اختراعاتش نداشتن غروب در سرزمین های زیر نفوذش بوده است استعمار را نوعی عمل آزاد برای حفظ سرزمین خود و مردم خود میدانست و دلیل آنهم با تعبیری که کار - شناسان اقتصاد و اجتماعی اش برای مردم استعمارزده میکردند خیلی جالب بود.

سرانجام چه خواهد شد، اگر هر کس آزادی را بهر گونه که میخواهد تفسیر و تعبیر کند و به نفع خود از آن بهره گیرد

دلیل این بود که در مثلث پیشرفت اقتصادی یک ضلع به ارتقاء سطح نیازها اختصاص داده شده یعنی یک انگلیسی که در آپارتمانی زندگی میکند و یک اتومبیل کوچک دارد در این اندیشه است که یک واحد مسکونی ویلائی داشته باشد و برای هر عضو خانواده اش نیز یک اتومبیل، اگر هم فقط تعطیلات و سرخصی های سالانه اش را میتواند در خارج از شهر خود بگذراند باید که تمام تعطیلات هفتگی را با استراحت در مناطق خوش آب و هوا بگذراند بدین ترتیب انگلیسی فکر میکند که باید بهتر زندگی کند - درآمد بیشتر داشته باشد - رفاه بیشتر داشته باشد و تأمین اجتماعی مطمئن تر. انگلیسی میگوید من این نیاز فزون طلبی را دارم باید یک ضلع دیگر مثلث دست یابم - آن هم تکنو - نوژی است باید علوم و فنون جدید روز را که میتواند در حل مشکلات مرا یاری دهد فراگیرم... پزشکی مجرب مهندسی ماهر - کارشناسی ورزیده در رشته ای خاص بارشته هایی از علوم شوم - درس میخوانم - بدانشگاه میروم کتاب میخوانم - تجربه می اندوزم - بالاخره تکنولوژی را نیز میگیرم - میماند ضلع سوم مثلث که آن استفاده از منابع طبیعی و مواد اولیه خام است. انگلیسی بخود می آید که برای دستیابی به هدف منابع طبیعی من کافی نیست جزیره من اصولاً کوچک و کم خاک است - شرایط جوی و اقلیمی کشورم را از داشتن ذخائر محروم کرده است اما این کمبود مانع از رسیدن به هدف که داشتن زندگی بهتر است نمیتواند باشد. در مرحله اول با فروش تکنولوژی حتی بقیمت ارزان بسوی کشورهایی نشانه میروم که ذخائر طبیعی دارند ولی تکنولوژی ندارند و در فکر فزون طلبی هم نیستند. پس اگر باهدف اقتصادی به هدف سیاسی استعماری هم برسیم ظلمی روانداشته ام

دریابند و در این راه احساس مسئولیت نمایند چه بسیار زنانی که بایک انگیزه اصیل برای رسیدن به این هدف برخاسته اند، ولی بر اثر نبود آگاهی کافی، به راه حل هایی احمقانه دست باز کرده اند. مثلاً بجای آنکه خواستار روابط مبتنی بر واقعیات فکری و روحی بین زن و مرد باشند، بایک چرخش عصبی و کودکانه ۱۸۰ درجه ای، روی از مرد به عنوان انسان انتراعی از شخصیت زن برگرفته، حتی به تئوریهای مسخره ای روی آورده اند. در حالیکه همانگونه که یکبار نوشتیم در متن طبیعت نه مرد و نه زن به تصادف مرد یازن نشده اند و چنین هم نیست که یکی از این دو کامل و دیگری ناقص آفریده شده باشد، بلکه هر کدام به تنهایی ناقص و بوسیله

شناخت مقام واقعی زن

نیافته اند، زیرا طریقه ای استفاده از حقوق خود را هنوز نمی دانند. و با گام نهادن در راه های غیر منطقی و افراطی به بیراهه می روند ما معتقدیم که هدف رسیدن به انسانیت است و زنان برای نیل باین هدف بایستی به تجزیه و تحلیل نقش و شخصیت خود پرداخته ولی هشیار باشند که در این راه عوامل فریبنده رسانه های گروهی، فکر آفرینش ساخته شده ای را به آنها القا ننمایند، تا سرانجام نتوانند رسالت خویش را که از نظر ما همان نیل به انسانیت است

فرهنگی خود پای بند است و با مسئولیت به مفهوم گسترده ای آشنا می باشد. پس مسئله ای اساسی برای ما شناخت انسانیت زن است و هدف آنستکه زنان آن بیش و آگاهی را پیدا کنند که با تعمق در هستی و شخصیت خویش، دریابند که کالای پرازش یا کم ارزشی نیستند و شرافت واقعی در انسان بودن است نه رنگ و روغن و جواهر و ظاهر آراسته ای آنها. انبوهی نیستند که تحت کنترل قرار گیرند، استثمار شوند و گاه بصورت کارگری زنجیر در سزعه ها و گاه بصورت عروسکی نمایشی در شهرها مورد بهره گیری واقع شوند. نگاه کنید به خیل زنانی که در روستا و شهرستان و شهرهای دور و

بحث را با این سؤال آغاز میکنیم که الگوی زن ایرانی باید چه باشد؟! به گمان من که این گمان بدنبال سالها مبارزه بنیان گرفته، الگوی زن ایرانی تنها چهره ی انسانی و آزاد زن است. زنی که در جستجوی خصوصیات اصیل انسانی است. نه در بند تعصب و عقیده های غفن ضد انسانی و چرکه های خرافات است و نه فریب شعارهای صادر شده از مغز عده ای سرمایه دار آنسوی اقیانوسها را میخورد و ماسک رنگ و روغنی کالا های مصرفی را در بازارهای سرمایه داری، به نام نقاب آزادی و استقلال، تجدد انسانیت به چهره اش می زند. زن آزاد شده زنی است که در پی شناخت و آگاهی است، به اعتقادات

بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب الجزایر

مردم قهرمان الجزایر یادداشتن تاریخی روشن از روزگار سلطه کازتاژها و روسی ها و کارگزاران و ندال و بیژانس، در دوران فتوحات اسلامی با آمدن اعراب از مصر بسوی شمال آفریقا در سال ۶۴۷ میلادی با اسلام آشنا شدند و در سال های ۷۱۰ تا ۷۲۰ میلادی سرتاسر این منطقه بگونه جامعه ای اسلامی با ویژگی های عربی درآمد.

اسویان و فاطمیان و چند زمانی جنبش آفریقاییان بربر، الجزایر را زیر نظر داشتند تا در سال ۱۵۱۶ میلادی در زمره امپراطوری عثمانی بشمار رفتند. با پیدایش استعمار، و سلطه طلبی غربیان در قاره آفریقا کشور الجزایر نیز بسان دیگر کشورهای شمال غربی این قاره بیزیر سلطه فرانسه درآمد در سال ۱۸۴۰ میلادی نخستین حکمران فرانسیسی پس از ضعف قدرت عبدالقادر الجزایری در الجزایر ساکن شد و سرانجام پس از چندین جنگ محلی و مقاومت های مردمی در زمان ناپلئون سوم (۱۸۰۷-۱۸ میلادی برای ۲۳۱ شمس) این سرزمین اسلامی رسماً بصورت یکی از مستعمره های فرانسه شناخته شد.

استعمار فرانسه در شمال آفریقا به ویژه در الجزایر از لحاظ فرهنگی بسیار نیرومند بود و بسان دیگر کشورها فقط جنبه های اقتصادی و سیاسی نداشت طی دهه هائی که استعمارگران این کشور را «بگونه الجزایر فرانسه» می نامیدند مقاومت های زیادی از سوی مردم ظهور کرده بودند، بدندان بردند. این امر بخاطر کینه های بود که شاه مخلوع بدنبال صدور اطلاعیه سه ماده ای جبهه ملی ایران و همگامی کامل با رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران در دل داشت. دستگیری مزبور بویژه دور کردن داریوش فروهر از صحنه تصمیم گیری، موقعیتی پیش آورد تا شاپور بختیار بتواند بدنبال زد و بندها و مذاکرات محرمانه بدون رعایت انضباط سازمانی ماموریت تشکیل دولت را بپذیرد که این امر بلافاصله پس از آزادی رهبران از زندان در اطلاعیه ای به تاریخ نهم دیماه ۱۳۵۷ موجب

اروپائیان حرکت مردم الجزایر را نوعی تلاش وحشیانه «بوزینگان والانتار» می دانستند و افکار جهان را از مسأله «استقلال طلبی» بسوی برداشت آشوب طلبی های مسلمانان فرانسه «سوق سی دادند رژیم با کمک روزنامه های خود همه گاه مجاهدان را بگونه «شورشیان الجزایر» یاد میکرد و با زدو بند هائی که بادولت استعماری فرانسه داشتند کوشش می نمود، جنبه انقلابی جنبش ملت الجزایر برای هم میهنان ناآشناس باقی بماند یعنی همان رفتاری را که بعدها نسبت به نهضت آزادی بخش فلسطین نشان داد.

جنگ و تیرد در الجزایر سرنوشت ملت را بدست گرفته بود. در مارس ۱۹۶۲ میلادی زیر فشار مبارزاتی مردم متارکه جنگ در نشست «اویان» اعلام و فرانسه حق حاکمیت ساکنان الجزایر را رسمیت شناخت و در اول ژوئیه ۱۹۶۲ با انجام فراندوم از ۶/۱۷/۸۰ تن رای دهنده ۵/۹۷۵/۵۸۱ تن به استقلال الجزایر وجدانشدن از فرانسه رای دادند.

ژنرال دوگل که در ابتدا طرفدار تساوی «الجزایر ایران فرانسوی» اعم از

مسلمان و مسیحی بود، یا حزب کمونیست فرانسه که کاربردستان آن ایجاد برابری میان مسلمانان و مسیحیان را طالب بودند تسلیم شدند و جبهه آزادی بخش ملی زما -مداری کشور را بر عهده گرفت. حکومت الجزایر از زمان فرحات عباس و بن خده وین بلا و بسوی بدین تا کنون با تمام گرفتاریها و احتمالات کم کاریها، اسادر خط سازندگی ملی و بازگشت به عرییت اسلامی خودی گام های بزرگی برداشته است و در واقع پس از بیست و پنج سال کوشش و تلاش می تواند نمایش دهنده هیشروی های خود باشد.

در صحنه بین المللی نیز باید پیروزی الجزایر را نقطه عطفی دانست چه پس از آن تاریخ بود که پیکارهای قهر آمیز علیه استعمار در سرتاسر جهان بویژه در آفریقا مفهوم زنده تری پیدا کرد. ملت های خاورمیانه چون فلسطینیان و ایرانیان نیز بی شک در این اسریر خوردار از آموزشهای مردم دلاور الجزایر این «شعب عظیم» بوده اند و پیشوای در گذشته ملت ما دکتر محمد مصدق در نامه ای خطاب به حسن صدر حقانیت ان انقلابی را بفرزندان پروریند وطن گوشزد کرده است خوشبختانه جشن بیست و

پنجمین سال انقلاب الجزایر زمانی برگزاف می شود که انقلاب اسلامی ملت مانیز به پیروزی رسیده است و مانیز در سینه مستقل و آزاد بسر می بریم پیام رهبر انقلاب به این نشست پراتخار و شرکت رئیس دولت موقت نمایانگر یگانگی ملت ما با مردم الجزایر می باشد.

ذکر این نکته لازم است که در همان روزگار که کشور ما زیر سلطه کودتاگران قدرت حرکت نداشت اسامردش زیاد الجزایر بودند و به پیروزی آنها دلخوش می کردند حزب ملت ایران یکی از سازمانهائی بود که برغم همه سختگیری دولت کودتا و دژخیمان استبدادندای مردم ایران را در رابطه با انقلاب الجزایر بیان کرد که برای حسن ختام متن مقاله ای را که در روزنامه آرمان ملت (شماه یکم دوره دوم روز سه شنبه ۱۰-مهرماه ۱۳۳۷) ارگان ستاد پنهانی حزب انتشار یافته است در زیر می آوریم.

ملت ایران دولت الجزایر آزاد را بر رسمیت می شناسد

دو هفته قبل دولت آزاد الجزایر بر ریاست فرحات عباس در قاهره تشکیل یافت و مشت و محکمی بدهان یاوه گویان پارسی

از فاجعه «عید قربان» تا بزرگترین گردهم آیی های «وحدت»

دکتر عبدالکریم انواری را بیاد می آورم که پای تازه بهبود یافته اش دوباره شکست و مهندس حسینی بدنش زیر چماق آن لعنتی ها سیاه شد کسانی که بسختی آسیب دیدند تا آنجا که بیاد دارم حسین شاه حسینی - خسرو سیف - ابوالفضل قاسمی و فرزند برومندش عبدالحسین صنایع - رحیم شریعتی گودرزی - هوشنگ جعفری - خدا بخش تعویلدار - علیجان شانس - مهرداد ارفع زاده (که پایش شکست) - محمدی (که از ناحیه سر بسختی آسیب دیده بود)، خلیلیان فرزین مخبر، بهرام نمازی و آنها که ناشان را فراموش کرده ام براخوانده بخشید. دکتر بختیار که خود راز ما می -

کرده بودند، بدندان بردند. این امر بخاطر کینه های بود که شاه مخلوع بدنبال صدور اطلاعیه سه ماده ای جبهه ملی ایران و همگامی کامل با رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران در دل داشت. دستگیری مزبور بویژه دور کردن داریوش فروهر از صحنه تصمیم گیری، موقعیتی پیش آورد تا شاپور بختیار بتواند بدنبال زد و بندها و مذاکرات محرمانه بدون رعایت انضباط سازمانی ماموریت تشکیل دولت را بپذیرد که این امر بلافاصله پس از آزادی رهبران از زندان در اطلاعیه ای به تاریخ نهم دیماه ۱۳۵۷ موجب

اخراج شاپور بختیار از جبهه ملی ایران شد. * * * چند روز پیش، روز چهارشنبه نهم ذی الحجه الحرام، یعنی شبی پیش از عید بزرگ اسلامی قربان در روزنامه های عصر تهران در رابطه با محاکمه سپهبد رفعت جو در دادگاه ۶ نفری فرماندهان سابق ارتش نوشته شده بود: «بدستور ساواک من دستور دادم که حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ نفر از درجه داران ژاندارسری بلباس شخصی بحالت آماده باش بسر برند تا هر موقع که ساواک بوجود آنها احتیاج داشت این افراد وارد عمل شوند. آنها بدستور ساواک در

کاروانسراستکی برای درهم کوبیدن تظاهرات جبهه ملی وارد عمل شدند. علاوه بر برینسل ژاندارسری عده دیگر از نیروهای نظامی هم در آن جریان شرکت داشتند. یک سرهنگ کوتاه قد که عینک بر چشم میزد و میگفتند معاون ناہی است، نقش فرماندهی افراد را به عهده داشت. رئیس دادگاه سؤال کرد که حکم دستور تجهیز این افراد را چه کسی صادر کرد؟ منتم (رفعت جو) پاسخ داد: دستور بسیج این افراد را فرمانده ژاندارسری صادر کرد و رهبری عملیات

با ساواک بود. یکسال دیگر گذشت انقلاب اسلامی ملت ایران به پیروزی نائل گردید و نخستین «عید قربان» در جمهوری اسلامی ایران فرارسید. سرتاسر ایران به نماز برخاست. باشکوه ترین نمازهای «بوم - الاضحی» در سمن بزرگ اسلامی ما برگزار شد. اهرمین غدار و آواره و سرگردان هم اکنون زیر چشم های انتقام طلب ملت قرار دارد و رهبر انقلاب در پیشاپیش مردم و مردم همه یکدل و یک زبان سربازان فداکار این بزرگترین واقعه تاریخ و مومن و معتقد به رهبری سازنده و آشتی ناپذیر انقلاب.

اقبال مردم را به

بقیه از صفحه ۱ سهل انگاری ها و خطاها و گاه بی - اعتنائی به افکار عمومی و غرق در سیاست بازی شدن را متوجه برخی از اطرافیان او می ساختند. بی توجهی به مسأله کردستان و خواست های برحق مردم ستم کشیده این بخش از میهن شاید نخستین نقطه ای تاریک حکومت بازرگان به حساب آید. بی گمان اگر پیشنهاد های راه گشای اولین گروه دیدارکننده از کردستان که گویای نظر رهبران دینی و سیاسی و بطور کلی مردم کردستان بود، مورد توجه قرار می گرفت، نه دولت در تارهای سردرگمی ها اسیر می گردید و نه ضد انقلاب می توانست فساد بار آورد!

بخش های کاملاً تخصصی بروشنی نمایان است. نداشتن سیاست روشن اقتصادی، آموزشی و سیاسی و روبرو شدن بگونه ای کجدار و سربیز با رخداد های اجتماعی هر روز از اعتبار دولتی که میلیون ها زن و مرد با راه پیمائی چند ساعته ای خود آنرا تأیید کردند کاست و وضع وقتی به وخامت گرانی که وزارت امور خارجه در مورد سفر شاه بر آمریکا بازتابی سیاستمداران! و دوپهلونشان داد و مردمی را که همه ی نابسامانی ها ناکامی ها، و زشتی ها را از وجود نفس شاه می دانستند به خشم آود و کار را بدانجا کشانید که جز دریغ کلامی آنرا توجیه نیسازد. وحالا اداره ی کارهای از هم گسیخته ی مملکت با مردمی که دچار ضربه ی تلخ ناپاوری شده اند، به شورای انقلاب سپرده شده، به شورایی که تا هم امروز از اعضای آن آگاهی نداریم و همه چیز بر پایه ی حدس و گمان نهاده شده است؟ آنچه تردید ناپذیر است اینست که ایران امروز نیازمند به مدیریتی آگاه و قاطع و مسؤل و مورد حمایت مردم و بدور از انحصار طلبی و زد و بند دارد.

تازمانی هم که امام دست رد بر سینه ی کسی نزنند برغم خلافتکاری و سهل انگاری و تردید قبولش خواهند داشت و اگر این اصل مسلم راهمی کسانی که کار بدست امور میهن شده اند صمیمانه باور داشته باشند و اقبال مردم را به حساب شخص خود نگذارند، کمتر مشکلی پیش خواهد آمد. مردم امام را، صداقت و قاطعیت و شجاعت امام را، پاک و عدم وابستگی و یکرنگی امام را از جان و دل باور دارند زیرا که امام در آزمایش چند دهه ای خود سر بلند و بی غل و غش بیرون آمده و هر که را که او پذیرا باشد می پذیرند. هیچکس وارث انقلاب اسلامی ایران نیست، همه خدمتگزاران انقلاب و مردمند و این نیز اصل دیگری است که پذیرش آن شکل گشایی دیگر خواهد بود. سلامت جامعه و تداوم انقلاب ما در گرو وحدت است و بی گمان اگر خود خواهی رهبران که با کمال تأسف قد می جلوتر ایستادن یا برجایگاهی رفیع تر نشستند، مشکل اساسی آنهاست، نبود، این وحدت تاکنون پدید می آمد که این نیز خود زائیده سلطه ی شو استعمار و استبداد بر میهن ما بوده است که فرصت نداده بیاموزیم چگونه تفاهم پیدا کنیم و همدل و هم زبان گردیم و غرض های شخصی را فدای منافع اجتماعی کنیم

و دیگر سخن از خود تپی گردیم و پراز دوست. ندامت برگزشته نه کار عاقلان است ولی آسوخن از آن معنای واقعی زندگی می باشد، هنوز هم خیلی دیر نشده، با استفاده از دستاورد اندیشه ی مردم و تنظیم تحرك آنها و بهره گیری از مسؤلیشان می توان به حل مشکلات اساسی کشور امیدوار بود. باید باور کنیم که بدون همکاری و همراهی تمامی مردم، نمی توان به آینده امیدوار بود، بویژه که فشار بر اقدار تراز روز بروز به زبان ما افزایش می یابد. دستگاه اجرایی زیر هرنام و باهر پشتوانه بایستی بیانگر وحدت مردم و تصمیماتش منطبق بر خواست های آنها باشد. قاطعیت انقلابی ما در برابر توطئه ها از سویی و ایجاد محیط آزاد بحث و تبادل نظر از سوی دیگر شرط اصلی ایجاد محیط تفاهم در داخل و شرایط مساعد در خارج است و این بزرگترین وظیفه ی شورای انقلاب است.

جبهه ملی ایران صاحب امتیاز: مهندس حسین اخوان سردبیر: پروانه فروهر زیر نظر شورای نویسندگان خیابان سپند شماره ۲۶ طبقه سوه تلفن: ۸۹۸۲۱۷

که می خواهند الجزایر را جزو خاک فر - سنه بشمارند فرود آورد. سالیهاست زنان و مردان الجزایری اسلحه بدست گرفته بخاطر استقلال و آزادی سرزمین خویش با استعمارگران فرانسوی می جنگند و چه خونهای باکی که براه استواری این طریق ریخته شده است.

تلاش مردم رزمجوی الجزایر راه درست و گویای ملت های زنجیر شده است و مردان و زنان غیور این سرزمین آموزگار همه مردمی شده که بخاطر عزت و سرافرازی زیست می کنند مردم الجزایر بهمه مبارزان خداستعمار نشان داده اند که چگونه باید

بجنگ دشمن رفت و از چه راه می توان برخوردار از آزادی و استقلال شد. اکنون فرحات عباس سردیکه از پایان جنگ بین المللی دوم از پیکار باز نماند نخستین کابینه الجزایر آزاد را با شرکت گروهی از مجاهدان ملی تشکیل داده است و بدین گونه نخستین ثمره رسانخیز ملتی که در مدت سه سال نزدیک به صد هزار تن از جوانان خود را فدا کرده به ثمر رسیده است.

امروز وجود ارتش آزادی بخش الجزایر برغم استعمارگران فرانسوی یک واقعیت مسلم است که دیر یا زود قلمرو خود را از لوث وجود شکنجه گران اروپائی پاک خواهد کرد ملت ایران این پیروزی بزرگ را به مردم استعمار شکن الجزایر شادباش گفته و علیرغم سکوت ننگ آور هیأت حاکمه دولت الجزایر آزاد را به عنوان یک دولت مبارز و ناسیونالیستی برسمیت می شناسد. سلام گرم و آتشین ما بدقهرمانان زنجیر گسل الجزایر. بقلم - معلم قزوینی

خانم نماینده

بقیه از صفحه ۱ قانون اساسی نیست. البته این گفته شما تحریف حقیقت بود، چرا که دیدیم آنچه مجلس شما برای زن تصمیم گرفت، بار دیگر زن را به تعمر تاریکی در اجتماع می کشاند و اگر تحصیلات زن از نظر شما سبب سرشکستگی است، برای زن مسلمان واقعی سر بلندی است و شما مسؤل عواقب تصمیماتی هستید که در این مورد در مجلس تصویب شد.

خانم نماینده! در یکی از سخنرانی هایتان که از رادیو بخش می شد شنیدم که بار دیگر حجاب را بیهانه کرده اید تا میان زنان تفرقه بیندازید. می گفتم چند سال پیش زن ایرانی بدلیل برداشتن حجاب آبرویش را از دست داد و حالا باز با پوشاندن خود در چادر آبروی از دست رفته را باز می یابد. چقدر تأسف آور است که شما نماینده مردم در مجلس که قانون اساسی را تصویب می کنید، نشسته اید و هنوز در اواخر قرن بیستم «آبرو» را در چنین تظاهراتی می بینید!

خانم نماینده! شما چطور نمی دانید که آبروی انسان در رفتار او و چگونگی تفکر اوست، و چطور نمی دانید که رشد و تکامل انسان تنها با پیشرفت اندیشه میسر است! شما چطور نمی دانید که لازمه تحول، تفکر است و چطور می پندارید که صورت ظاهر می تواند بیان کننده حد و سبز اندیشه ها باشد؟ من مخالفتی با چادر یا هر گونه حجاب دیگری ندارم، متوجه باشید که غرض تذکر این نکته است که اگر توانستید شعور و درک مردم را بالا ببرید، صورت ظاهر خود بخود قالب طبیعی و انسانی اش را پیدا خواهد کرد، ولی اگر بی خواهید با پوشاک و لباس تفکر خاصی نیز ب مردم بدهید سخت در اشتباهید!

نکته دیگر اینکه شما با اینهمه نطق و خطابه که درباره زن و اسلام می کنید و می پندارید هر چه می گوئید حتماً درست است و همه باید ملزم بقیه از صفحه ۴

بزرگداشت سردار شهید نهضت ملی ایران

اعضای شوراهای حزب در این آئین حضور داشتند. نمایندگان کمیته وحدت انقلابی که همه از یاران قدیم هستند، نیز ما را همراهی کردند. دکتر محمدی، رزمنده دیرپا و عضو برجسته حزب ملت ایران با کلامی آغشته از غم، یاد شهید را زنده کرد و برنامه‌ی بزرگداشت را اعلام نمود. شاعر و تکان دهنده صادق کاتوزیان شاعر خوب و صمیمی و مبین خواه ما بوسیله «ارجمندی» خوانده شد سپس دکتر ناصر تکمیل همایون، جامعه شناس آگاه که از مبارزان دیرینه و نیز از اعضای برجسته حزب است بایاد آوری عمل متهورانه‌ی خواهر دکتر فاطمی، شیر زن باایمان، در هفتمین شب شهادت برادر، به بررسی وضع کنونی میهن و بحرانی که بدنبال سیاست تردید آمیز وزیر امور خارجه دولت مهندس بازرگان، پدید آمد، پرداخت و فقط کسانی چون فاطمی را شایسته‌ی تصدی چنین سمت حساسی در دوره‌ی سرنوشت ساز انقلاب اعلام



کرد. ملی که خود نیز در آئین شرکت داشت بوسیله همان کسی که ۲۶ سال پیش بر مزار فاطمی آنرا خواند یعنی «سرکشیک» خوانده شد. «سرکشیک» شرایط آنروز را با سربازان مسلسل بدست و آماده شلیک توضیح داد. دکتر محمدی، بار دیگر سخن گفت و از شهید نهضت پرشور و بگونه‌ی حماسه یاد کرد و سپس از حضاران خواست به زیارت مزار شهیدان سام تیر بروند. در این مراسم نمایندگان برخی از سازمان‌های دولتی نیز شرکت داشتند. هفته‌نامه‌ی «ویژه‌نامه‌ی در روز شهادت فاطمی پیشکش خواهر دلیر از خود گذشته و شکیبای آن شهید کرد که بگونه‌ی رایگان در اختیار هم‌بهنان قرار گرفت.

بقیه مذاکرات کردستان از صفحه ۱

آورد آماده ساختن مردم برای پذیرش این واقعیت‌هاست و اینکه بهر حال رهبران ملی و مذهبی منطقه از احترام خاص مردم برخوردارند و بدون توجه به خواسته‌های آنها که در واقع سخنگوی مردم هستند دست‌یابی به آرامش در منطقه ممکن نیست و در رابطه با همین موضوع است که روز گذشته دوین اعلامیه هیأت حسن نیت هرچه بیشتر بر این نکته تأکید داشت که از اظهار نظرهای بدون مسؤلیت پرهیز شود تا آسیبی به توافقات بدست آمده وارد نگردد. سیاست بازان و آنانکه در این آشفته بازار دست‌اندر کار هستند باید بدانند که هر حرکت غلط آنان بواقع جبران ناپذیر خواهد بود و خطی بر تمام کوششها و آغاز مجدد برادر کشی در منطقه. شورای انقلاب در رابطه با مسئله کردستان باید قاطعیت نشان دهد و از توافقاتی بدست آمده بیشترین بهره را بگیرد و کسانی را که تمایل دارند در منطقه زور آزمایی کنند و از نیروهای ارتش بجای آرام‌سازی منطقه در جهت آتش افروزی استفاده کنند از هیأت حسن نیت خارج سازند. بوجود آوردن صحنه‌های نمایشی، ایجاد تحصن‌ها و شرکت مقامهای مسؤول در آن فقط به منحرف ساختن قضایا منجر خواهد شد و در این میان این ضد انقلاب خواهد بود که از فرصت بوجود آمده استفاده خواهد کرد و به استحکام مواضع خود خواهد پرداخت و شاهد بودید که این گروه حتی در جریان مذاکرات و در حساس‌ترین لحظات یعنی هنگامی که داریوش فرهربر برای مذاکره با عزالدین حسینی به سر داشت سیرت به هلیکوپتر او و پادگان سردشت حمله کردند و در این حادثه اگرچه گروه‌های ضد انقلاب نتوانستند صدمه‌ای به فرور وارد آورند لیکن باعث شدند تا تعدادی از مردم سردشت جان خود را از دست بدهند. امروز بر اعضای شورای انقلاب است که قدرت طلبان را بشناسند و اگر رسالتی برای خود قائل‌اند بر بررسی مسائل کردستان تعصب را کنار بگذارند. تیره‌های گوناگون ایرانی از جمله مردم کردستان که سالها زیر ستم بوده‌اند دارای حقوقی هستند که باید به آنها داده شود و عدم توجه به این حقوق و خواسته‌های برحق می‌تواند اتحاد میان ملت‌ها را به نفاق تبدیل کند. امروز مردم ایران بیش از هر زمان دیگر به همبستگی نیاز دارند و اینکه مبارزه ضد امپریالیستی ملت ایران هر روز ابعاد وسیعتری بخود می‌گیرد پیروزی در مقابل ابرقدرتها تنها در سایه وحدت و یکپارچگی همه ایرانیان میسر است.

توطئه گران از صفحه ۱

و با توجه به سازمان و هماهنگی که داشته است از بروز اعمال خودسرانه افراد تا سرحد امکان جلوگیری نموده است و پاکسازیهایی که در چندماه گذشته به عهده ارتش گذاشته شد با حداقل تلفات به ملت و ارتش، خاتمه یافت بخوی که مردم منطقه مقدم ارتشیان را در هر کوی و برزن گرامی داشته و آنان را پیام آور آزادی و صلح میدانند. اما دست ناپاکان مزدور برای برهم زدن تلاشهای صلح و ایجاد خونریزی‌ها دیگر از آستین بیرون آمد و به خون عزیزترین فرزندان این آب و خاک آغشته شد. خبر این است: هنگامیکه سرهنگ شریفی بوسیله هلی کوپتر برای سرکشی به پاسگاههای مرزی سیرت بوسیله ستوانیکم بهروزنیا که به زور تصد ورود به خاک دشمن را داشت به شهادت رسید اگر بیاد آوریم که سرهنگ شریفی نهایت کوشش خود را مبذول میداشت که در درگیریها تلفات بوجود نیاید و اگر نقش مثبت این افسر وطن‌خواه را در منطقه در نظر داشته باشیم به نیت پلید مزدوران بهتر واقف خواهیم شد. جنایتی که ستوان بهروزنیا مرتکب شده است در هیچ مکتبی قابل گذشت و مسامحه نیست. در شرع، در عرف، در قوانین جزائی دادگستری ما و در قانون دادرسی ارتش، هیچکدام نمیتوانند کوچکترین اهمالی در مجازات قاتل روا دارند. در نظر آوریم که دیسپلین و انضباط افراد ارتش توانست از بروز حوادث جبران ناپذیر در کردستان جلوگیری کند و حادثه شهادت سرهنگ شریفی زنگ خطر بزرگی است برای انضباط در ارتش و چنانچه هرچه سریعتر ستوانیکم بهروزنیا در دادگاههای نظامی محاکمه و مجازات نشود اساس و پایه‌های ارتش متزلزل خواهد شد و ارتش که در دوران بعد از انقلاب نقش سازنده‌ای را داشته است به سرایشی سقوط خواهد افتاد. از یاد نبریم که افراد ارتش به دلیل تابعیت از قوانین ویژه طبیعاً باید در دادگاههای ویژه نظامیان محاکمه شوند و جنایتی که ستوان مزبور انجام داده است در حین خدمت بوده است و هیچ دادگاهی بجز دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی به چنین جنایتی را ندارد. شورای نویسندگان: شهادت سرهنگ شریفی، دلیر باایمان ایرایخواه را بگونه‌ی ضایعه‌ای ناگوار به هم‌بهنان عزیز بویژه بستگان آن شهید تسلیت می‌گوئیم.

ایران میباشد. هدایت ارتش لزوماً میباشد به وسیله نظامیان باتجربه، درست، مؤمن و شریف این ارتش انجام گیرد و کاربرد نیروهای ویژه، هوایرورز، هوایی و زرهی فقط در توانائی پرسنل کارکن شده و آگاه نظامی است. در یک طرح تاکتیکی مسلماً چریکهای دست سوم و چهارم آموزش دیده در یک کشور دست سوم و چهارم قادر به ارائه طریق نخواهند بود! کسانیکه دانشگاههای نظامی، فرماندهی و ستاد و غیره را طی نموده‌اند نمیتوانند هدفهای نظامی این مملکت را طراحی نمایند. چنانچه در این امر دخالت نمایند حتی اگر صد درصد فداکار، بسا ایمان، و درست باشند به تباهی ارتش خواهد انجامید. ما امروز شاهد کنارگذاشتن افسران فداکار، باسواد، باتجربه، ملی و باایمانی از ارتش هستیم و حتی اگر وانمود کرد که خود این اشخاص به تقاضای شخصی خواسته‌اند از خدمت معاف گردند می‌بایستی با استفاده از تجربه فرماندهان و قوانین موجود از این امر جلوگیری

در ارتش پاکسازی بقیه از صفحه ۱

گرفت و حتی تانگها وزره پوش ها بوسیله آنان چپاول و مخفی گردید. در آرزمان مملکت فاقد یک قدرت انتظامی حتی برای حفاظت هیئت دولت موقت بود. و تجربه ایران آغاز گردید. ولی بناگهان در میان بهت و ناپاوری همگان سپهبد قره‌نی‌ظرف کمتر از ۲۴ ساعت یک واحد ضربتی از گارد جاویدان سابق تشکیل و ناآرامی سنج راسکوب سر - سپهر - خائنین به ایران، تصور آنرا هم نمیکردند! در این موقع بیگانه نقشه جدیدی طرح نمود، و یکمک ایادی خود شعار انحلال ارتش را مطرح کرد، که این طرح جدید هم یکمک وطن پرستان و ملیون ایران با شکست روبرو شد. سوسین ضربه دشمنان ایران بصورت دستگیری پرسنل ارتش و وارد آوردن اتهامات بی اساس بانان آغاز گردید صرف نظر از تعداد معدودی که بقصر و مجازات شدند و بسیاری از پرسنل شایسته و فداکار و با ایمان ارتش بطور موهن و شرم‌آوری

خانم نماینده که فکر می‌کنم مسؤلیت عواقب این قوانین را باید آخرین خانم نماینده در ایران باشید بعهده بگیرید!

اطلاعیه

مدیریت جدید و انتصابی کارخانجات بابک «زیر نظر وزارت مسکن و شهرسازی» شماره تلفن‌های کارخانه جهت انجام خدمات ۲۴ ساعته زیر با قیمت های نازل را که مورد تأیید و قبول قسمت اجرائی سازمانهای دولتی - کلیه مقاطعه کاران دولتی و بخش خصوصی و کارفرمایان در سراسر ایران قرار گرفته به اطلاع میرساند.

جر ثقیل بابک

جر ثقیل از ۳ تن الی ۱۰۰ تن تریلر و کمرشکن به تعداد کافی و مورد درخواست

بتون بابک

فروش بتون آماده - اجاره پمپ ثابت و پمپ بوم - اجاره تراک میکسر - اجاره تانکر حمل سیمان فله

بابک شن

شن و ماسه طبیعی یا شکسته و دانه بندی شده استاندارد -

ماکادام

تلفن های جدید ۹۴۴۴۳۸ - ۹۴۴۴۳۷

کیلومتر ۷ جاده مخصوص کرج روبروی پارک جنگلی

بقیه خانم نماینده

به انجاش باشند. به تاریخ اسلام رجوع کنید و بفمایند که پیامبر اسلام (ص) و یا علی (ع) کی و کجا جز بر رفتار انسانی و تساوی حقوق انسانی و بر تفکر و اندیشه تکیه داشتند. مگر ما از آنها نمی‌آموزیم؟ پس چرا در این مورد فراموش می‌کنیم که آنها نیز هرگز صورت ظاهر را دلیل بر سلامت باطن ندانسته‌اند. خانم نماینده! که در مجلس می‌نشینید و حرف از آزادی و تساوی می‌زنید، بدانید که در آینده مسؤل وضع زنانی هستید که فرزندانمان را از دانششان دور کرده‌اید و مسؤل اشک کودکانی هستید که از دیدار مادر محروم خواهند شد. شما در مقابل چنین تصمیمی در مجلس شجاعت کردید و پیشنهاد کردید که در مورد قیمومیت، شایستگی مادر نیز در نظر گرفته شود. البته دیدیم که چطور؟ زمانی که قیم نباشد. یعنی بهر حال قبول کردید که عمو یا پدر بزرگ در هر صورت شایسته‌ترند و اگر نبودند بازم باید در مورد مادر تردید کرد و معلوم نیست چه کسی و بر چه اساسی زن را شایسته تشخیص دهد.

بن بست سیاسی آمریکا

بقیه از صفحه ۱

امریکاسیر سعودی طی کند معلوم نیست که این تهدید عملی نگردد! امام در پیام تاریخی خود به پاپ این‌مسأله را نیز قهرمانانه به بررسی گرفته قاطعانه اعلام داشتند که بین شکم سیر و آبروی ملی مردم ایران ترجیح خواهند داد که آبرومندانه بگیرند و مبارزه بزرگی را که علیه امپریالیسم جهانخوار آغاز کرده‌اند با سربلندی پایان بخشند. بازتاب‌های عجولانه و بدور از منطق آسیریکو وضع را هر روز بدتر از دیروز خواهد کرد که از آن‌سیان‌سی‌توان تهدید به اخراج دانشجویان ایرانی را نام برد. آنچه قطعی است در این شطرنج، آسیریکا باید موضع خود را تغییر دهد مردم ایران به رهبری بلاشمازع امام بخوبی دشمن را تشخیص داده‌اند و برسرآند که برخلاف گذشته بر سر نوشت خود حاکمیت یابند و جهانخواران در زد و بند های سیاسی خود می‌بایستی نام ایران را از خاطر بزایند و به ایران به‌گونه‌ی یک سرزمین آزادی و غیر متعهد بنگرند.